

زنان سازمان یا سازمان زنان



محمد اسدی

به نام خلق، و به نام مسعود، مریم، مهین تاج، آفت، شهپر، مهوش و پریش.

بار دیگر توانستیم گردهم آییم و شعار آزادی ایران را با ندای بلندی سر دهیم.

نخست اینکه امسال را یعنی سال ۱۴۰۱، سال پایان رژیم ایران اعلام کردیم. این افتخار و دستاورد بسیار بزرگی برای ماست. چرا که برای سی و دومین سال متوالی این تصمیم را گرفتیم. یادش بخیر، برای اولین بار که تصمیم گرفتیم سال ۶۹، سال پایان رژیم ایران باشد، من یک دختر بچه ۵، ۶ ساله بودم و خیلی خوشحالم که با عزم راسخ، هنوز بر سر این تصمیم مان هستیم. امیدوارم بتوانیم هر سال این تصمیم را تمدید کنیم.

مشورت دائم، مشورت موقت

ما اعتقاد داریم که رژیم ضد زن ایران، زنان و دختران را مشغول کردن و دانشگاه رفتن می کند تا حواس شان از حقوق اساسی خود پرت شود. حق اساسی زن ایرانی، این است که بتواند در بالاترین سطوح حاکمیتی نقش ایفا کند.

به طور مثال زنان سازمان، همواره به عالی ترین مقام سازمان، یعنی مسعود رجوی مشورت می دادند. حتی بعضی وقت ها، مرد ها به مسعود اعتراض می کردند و می گفتند: ما هم مشورت کن، ولی مسعود می گفت نه، مشورت زنان بهتر است و فقط مشورت آنها را می گرفت. طبق مستندات، او تاکنون با بیش از ۴۳۲ نفر از زنان سازمان مشورت کرده است؛ بسیاری از این مشورت ها موقت و بعضی نیز مشورت دائم بوده است.

ورچیدن پای زن ایرانی

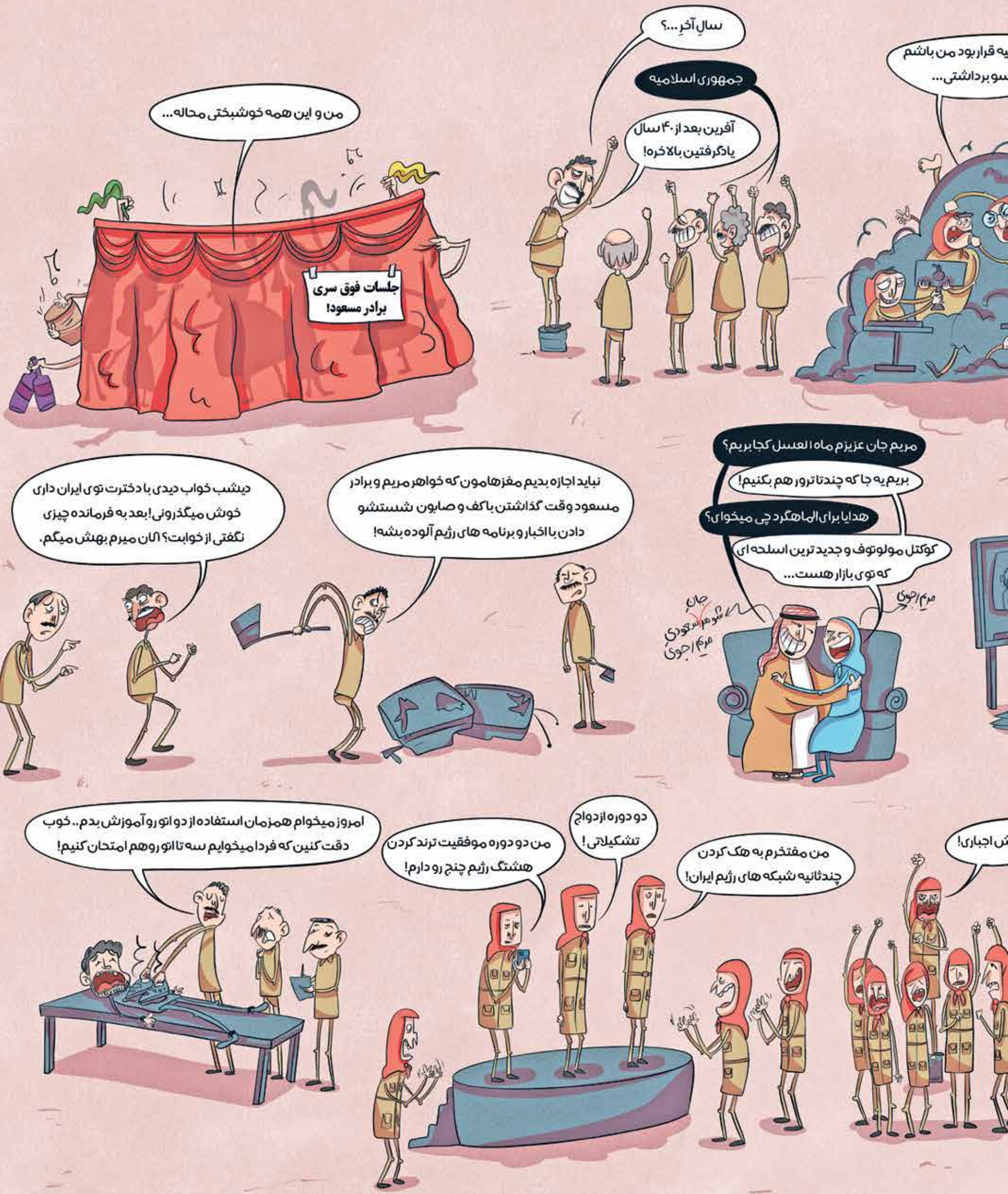
اما زن در خانواده ایرانی یک نقش کالایی دارد؛ به همین خاطر ما با ازدواج و تشکیل خانواده مخالفت می کنیم. حتی در فرهنگ عامه ایرانیان نیز، این مساله را می بینیم! در مساله ازدواج، با زن به عنوان کالای مورد معامله برخورد می شود. «نون و پنیر آوردیم، دخترتونو بردیم!» و اسفناک تر، پاسخ خانواده دختر است که می گوید: «نون و پنیر ارزونی تون، دختر نمی دیم بهتره!» در این قسمت، اعتراض به این معامله نیست؛ بلکه آنها می خواهند نرخ را بالاتر ببرند.

در خانواده ایرانی، گاهی وقت ها زن با یک کاسه شیر نیز معاوضه می گردد؛ و حتی این حق به همسرش داده می شود که اسم او را نیز تغییر دهد. «شیر شو بپر هندوستون، یک زن کردی بستون، اسمشو بذار عم قری.» آیا این زن، تاکنون اسم نداشته است؟ چرا هویت او نادیده انگاریده می شود؟ اما نه تنها هیچ کس به این پروپاگاندای حکومت اعتراض نمی کند، بلکه در کمال آرامش، یک پای شان را ور می چینند و این ورچیدن پا به این معناست که زن ایرانی باید پایش را از عرصه سیاست و جامعه بیرون بکشد. این داستان غم انگیز دختران ایرانی است.

لژیون مریم

ما همچنین در سازمان تلاش می کنیم تا زنان در عرصه های بین المللی و خارجی فعالیت کنند. به عنوان مثال بانو مریم رجوی در سال ۱۳۹۵ در یک فعالیت بین المللی با یک شاهزاده سعودی به نام ترکی الفیصل ازدواج کردند. به عبارتی ایشان یک لژیونر هستند و اتفاقاً یک قرارداد بلندمدت خیلی خوب بستند و تا اینجا عملکرد خوبی هم داشتند و به عنوان «خانم گل» مسابقات دست یافتند.

به امید حضور همه زنان و مردان ایرانی در عرصه های بین المللی.



■ **ورود س.م.خر به کشور**
به دلیل هجوم ایدایی همزمان ارتش عراق به جبهه جنوب بخش عمده ای از توان نظامی ایران در جبهه های جنوب غربی مشغول دفع تهاجم عراق بودند. به همین دلیل در برابر حرکت ستون های مجاهدین مقاومت کلاسیکی وجود نداشت و با پشتیبانی نیروهای عراقی، مجاهدین با سرعت زیاد در این جبهه پیشروی کردند و نیروهای مجاهدین بدون مانعی جدی تا عمق ۱۴۵ کیلومتری

■ **عاقبت**
خاک ایران پیش رفتند. در این هنگام مسعود رجوی گفت: «دشمن پشتش به ماست، دارن میرن که از مرز افغانستان خارج بشن، شما ایریشمچی جان، تعقیبشون کنید واگه تونستید تا ۷۲ ساعت دیگه کابل رو هم بگیرید، جا داشت تا هند برید، اصلاً که تونستی تو از شرق برو زاین رو بگیر میگم مریم از غرب بره که فیچی کنیم و تا ۱۴۴ ساعت دیگه سازمان ملل باشیم، فقط حواست باشه امریکایی نکشین، سگ صاحبش رو گاز نمیگیره.»

با حضور مردم و فرماندهی شهید سپهبد صیاد شیرازی در عملیات مرصاد بیش از ۴۳۸ دستگاه نفربر و تانک و خودرو و بیش از ۱۲۰۰ قبضه تجهیزات نظامی از س.م.خر از بین رفت و بیش از ۲۵۰۶ نفر از اعضای مجاهدین خلق کشته و ۵۳۱ رأس نیز به اسارت درآمدند. پس از پایان عملیات، تنگه چهار ریز، تنگه مرصاد یا کمپنگاه نام گرفت و مسعود رجوی با زدن چند سوت از محل دور شد.